

**مرکز جهانی علوم اسلامی**  
**مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی**  
**پایان نامه کارشناسی ارشد**  
**رشته فقه و معارف اسلامی**

**عنوان:**

**آفرینش انسان در قرآن**

**استاد راهنما:**

حجة الاسلام و المسلمین سید رضا مؤدب

**استاد مشاور:**

حجة الاسلام و المسلمین محمد جواد سعیدی

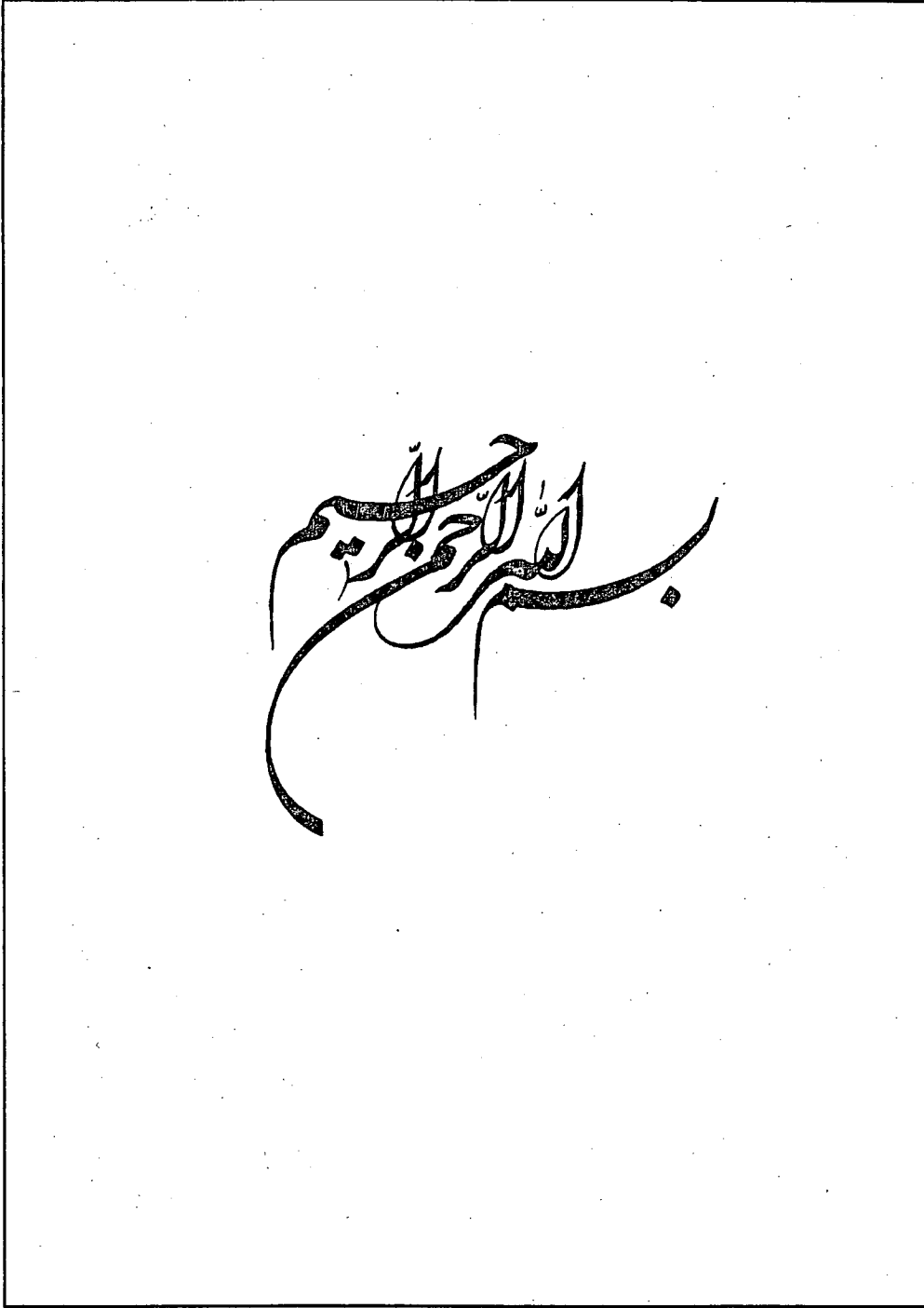
**دانش پژوه:**

محب علی وحیدی

سال ۱۳۸۳



کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی  
شماره ثبت: ۱۴۳۰ -  
تاریخ ثبت:



## اهداء:

هدیه به پدر و مادر عزیزم، آن دو که روح و جانم را با  
دریای زلال و بیکران قرآن و مکتب اهلبیت علیهم السلام پیوند  
ناگسستی بخشید و از افتادن در گرداب مکاتب  
الحادی نجاتم دادند.

آن دو که مرا در دامن پر مهر و محبت خویش، چنان  
بیدریغ پروریدند که شهد شیرین نوازش‌ها و  
محبت‌های‌شان، همواره خاطرات ذهنم خواهد بود.

### تقدیر و تشکر:

از همه آنانی که بی‌ریا در خدمت فرهنگ و تفکر  
ناب اسلامی‌اند مخصوصاً از استاد راهنما حجة  
الاسلام و المسلمین سید رضا مؤدب، و همچنین از  
استاد مشاور حجة الاسلام و المسلمین محمد جواد  
سعدی و سایر دست‌اندرکاران مخلص و پرتلاش  
مرکز جهانی علوم اسلامی تقدیر و تشکر می‌شود.

## چکیده:

انسان‌شناسی حیاتی‌ترین موضوعی است که از دیر باز در کانون توجه دانش پژوهان و محققان بوده است، اما با همه تلاشها، هنوز هم سایه تاریکی ناشی از مادی‌گرایی و منافع استعماری حاکم بر روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع بشری، موانعی زیادی در مسیر شناخت و معرفت درست انسان ایجاد نموده است.

از سوی دیگر وجود زوایای مبهم و تاریک در مبانی علمی و نظری مطرح شده در حلقه‌های فکری و دانش بشری سبب گردیده، دست یابی به حقایق ذات و ماهیت انسان را با مشکلاتی عدیده‌ای مواجه سازد.

از این رو، هرگاه به تاریخ علوم انسانی در فرهنگ‌های مختلف ملت‌ها مراجعه شود، متوجه خواهیم شد که نگرشی به انسان از دید و زاویه خاص، نه تنها به کشف حقایق ذات انسان نینجامیده، بلکه پیامدها و عواقب ناگوار و آموزه‌های منفی را برای ملتها در پی داشته است که منجر به فجایع و مصائب زیادی شده است. با پذیرش این واقعیت‌های تلخ، چنانچه در راستای تعریف جامع از انسان، تبیین چگونگی پیدایش او و دست یابی به ابعاد و زوایای وجودی اش، توفیق حاصل نمایم، ما را بیش از پیش به حقایق نهفته در ذات انسان نزدیکتر و به وظائف و مسئولیت‌های مان آشناتر خواهد کرد.

طبعاً وظایف و مسئولیت‌های انسان در چهارچوب حقیقت تعریف شده از ماهیت انسان تحت معیار و ضوابط مشخص و هدفمند، تبیین خواهد شد و سعادت و کمال آدمی، نیز در تمامی مراحل زندگی و شئون اجتماعی تحت چنین معیار ارزشی و هدفمند، تحقق می‌یابد.

بدون شک تحقق این هدف و دسترسی به حقایق وجودی انسان در نگاه قرآن و جهان بینی توحیدی اسلام میسر خواهد شد و بس.

گامی که ما در این مسیر بر خواهیم داشت، با توجه و عنایت به واقعیت‌ها و حقایق نهفته در ذات انسان و بررسی چگونگی خلقت و پیدایش او از منظر آیات قرآن کریم است که موضوع تدوین رساله حاضر قرار داده شده که ابتدا، تحقیق با یک مقدمه که در بردارنده هدف و انگیزه تحقیق است، آغاز می‌شود، آنگاه موضوع، تحقیق در ضمن سه فصل که هر فصل چند بند را شامل می‌شود، ادامه می‌یابد که در فصل اول به کلیات امر تحقیق می‌پردازد و در آن معانی و مفاهیم موضوع تحقیق از نظر کتب لغت و تفسیر، بررسی شده که مراد پیدایش انسان از مبدئیت که اصل و ریشه آن را خاک تشکیل می‌دهد.

سپس اهمیت و ضرورت موضوع مطرح گردیده که سه غرض اساسی و مهم در رابطه با موضوع تحقیق، نیاز به تحقیق پیرامون آن را ضرورت و اهمیت بیشتری بخشیده است.

آنگاه موضوع بلحاظ پیشینه تاریخی در نظر گرفته شده که چنانکه به تاریخ زندگی گذشتگان مراجعه نماییم در خواهیم یافت، انسان‌شناسی و جهان‌شناختی همواره مورد توجه و علاقه جوامع بشری، در طول تاریخ بوده است.

در همین ارتباط، سابقه‌ای تحقیق را مد نظر قرار دادیم و اینکه موضوعی آفرینش انسان به قدمت و سابقه‌ای پیدایش انسان مورد توجه همگان بوده است.

از این رو، دانش پژوهان تحقیقات وسیع و گسترده‌ای را در این زمینه انجام داده‌اند به طوری که پیرامون شناخت انسان عموماً و چگونگی پیدایش او خصوصاً، ده‌ها و صدها اثر و تحقیق از خود بر جای گذارده‌اند.

طبیعی است هر جوینده‌ای در امر تحقیق و آگاهی از موضوعی مجهول و مبهم، قبلاً با پرسش‌های در رابطه با آن مواجه خواهد شد که این پرسش‌ها و سؤال‌ها، هدف و انگیزه اصلی تحقیق را تشکیل می‌دهد و هر تحقیقی ابتدا با یک پرسش آغازین شروع می‌شود آنگاه در جریان تحقیق ممکن است با پرسش‌های فرعی دیگری برخورد نماید. بنابراین موضوع مورد بحث هم طبعاً از این قاعده مستثنی نخواهد بود.

اصولاً هر تحقیقی بر اساس فرضیه یا فرضی‌های، در مسیر دسترسی به هدف نهایی خود، به پیش می‌رود، و لذا با ملاحظه‌ای فرضیه‌های موجودی که در متن در نظر گرفته شده، مطالب آن جمع‌آوری

و سپس دسته‌بندی نهایی صورت گرفته است.

در فصل دوم: که بحث اصلی موجود را تشکیل می‌دهد؛ کیفیت و چگونگی پیدایش انسان نخستین و نسل او را از نظر آیات و روایات مد نظر قرار داده‌ایم، آنگاه آراء و نظرات علماء و بزرگان را متذکر شده‌ایم و این نتیجه را بدست داده است که آفرینش نخستین انسان از گل در طی ۳ مرحله و پیدایش نسل او در طی ۶ مرحله تحقق یافته است.

در این رابطه، نظریه تکامل انواع و طرح خلقت مستقل را مطرح نموده، دلایل طرفداران دو نظریه ارائه شده را یاد آور شده‌ایم که در مجموع، از نظر آیات و روایات نظریه خلقت مستقل بشر به واقعیت نزدیک است تا نظریه تکامل انواع در پایان این فصل به حقیقت روح و پدیده‌های آن و اقوال مطرح در این رابطه، کاربرد و موارد استعمال آن، مراتب و ابعاد آن از نظر آیات و روایات، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته که از نظر قرآن و روایات ائمه معصومین روح موجود است مجرد، شفاف، نوری و از مخلوقات خداوند که به عنایت او به جسم انسان تعلق گرفته است.

در فصل سوم: به غایت آفرینش انسان از دیدگاه آیات و روایات توجه شده است و نتیجه اینکه: انسان در مقام عبودیت و بندگی و تقرب به خدا در پرتو عمل صالح، مقام خلیفه‌اللهی انسان و سجده فرشتگان برای آدم، علم و آگاهی انسان از اسماء و مخازن عالم غیب نشان دهنده این امر است که موجودی با چنین جایگاه و عظمتی، تحقیقاً از خلقت و آفرینش او هدف و غایتی مراد است.

سپس به تفاوت‌های ذاتی بین انسان و فرشتگان و انسان و شیطان پرداخت شده و علل امتناع شیطان از سجده بر آدم یادآوری گردیده که به ۳ علت در این رابطه اشاره شده است:

۱- تکبر و فخر شیطان.

۲- کفر باطنی شیطان.

۳- عدم شناخت صحیح از انسان.

در پایان به جمع‌بندی مطالب تحت عنوان (خاتمه) پرداخت گردیده و رساله را با ذکر فهرست تفصیلی منابع به پایان رسانیده‌ایم، «من الله التوفیق».

## فهرست مطالب

اهداء:	.....	□
تقدیر و تشکر:	.....	□
چکیده:	.....	یک
مقدمه:	.....	۱

## فصل اول: کلیات

۱- تعریف موضوع	.....	۸
۱-۱- مفهوم‌شناسی	.....	۸
۲- ضرورت و اهمیت موضوع	.....	۱۷
۳- پیشینه‌ای تاریخی موضوع	.....	۲۳
۴- سابقه‌ای تحقیق	.....	۲۸
۵- سؤال‌های مطرح در موضوع تحقیق (اصلی و فرعی)	.....	۳۰
۶- فرضیه‌های تحقیق:	.....	۳۴
خلاصه مطلب فصل اول	.....	۳۶

## فصل دوم: مراحل آفرینش انسان در قرآن

۱- قرآن و مبدأ نخست آفرینش انسان	.....	۴۲
۲- قرآن و مرحله شکل‌گیری مبدأ نخست	.....	۶۲
۳- قرآن و فرضیه‌ای تکامل انواع	.....	۷۰



۹۱	۴- قرآن و بقاء نسل انسان
۱۰۲	۵- قرآن و مرحله تعلق روح
۱۰۴	۱-۵- اقوال مطرح پیرامون حقیقت روح:
۱۰۶	۲-۵- حقیقت روح از نظر قرآن
۱۱۰	۳-۵- بررسی جنبه‌های کاربردی روح در قرآن
۱۲۰	۴-۵- تجرد و بقاء روح از نظر قرآن
۱۲۶	۵-۵- مراتب و ابعاد روح از دیدگاه قرآن
۱۳۱	جمع‌بندی مطالب مندرج در فصل دوم:

### فصل سوم: غایت آفرینش انسان در قرآن و عظمت مقام او

۱۳۶	۱- هدف خلقت انسان از دیدگاه قرآن
۱۴۶	۲- خلافت انسان در قرآن
۱۵۲	۳- تعلیم اسماء الهی به انسان
۱۵۷	۴- سجده فرشتگان در برابر انسان:
۱۶۱	۵- تفاوت بین انسان و فرشتگان
۱۶۷	۶- تفاوت بین انسان و شیطان
۱۷۳	خلاصه بحث فصل سوم:
۱۷۴	خاتمه
۱۷۹	فهرست منابع

## مقدمه:

موضوع انسان‌شناسی، بلحاظ ارتباط مستقیم و تنگاتنگی که با سرنوشت و راه رسم زندگی ملت‌ها و جامعه‌ها دارد، از اهمیت فوق‌العاده و حساس برخوردار می‌باشد.

ادیان و مذاهب پیشین، با الهام از تعالیم انبیاء الهی، مکاتب فکری بر مبنای داده‌ها و فرضیه‌های علوم نظری و تجربی، سعی و تلاش ورزیدند، که تصویر جامع و کاملی از حقیقت و ذات انسان، ارائه نموده، جواب اصولی و قناعت بخش از پرسشهای مطرح در باب فلسفه‌ای وجودی انسان، بیابند.

اینکه از کجا آمده‌ام؟ هدف از آمدنم چیست؟ و سرانجام به کجا خواهم رفت؟

بقول حافظ شیرازی: از کجا آمده‌ام، آمدنم بهره چه بود؟ به کجا می‌روم آخر نمائی و طنم؟ طبعاً اینها پرسشهایی است که فراروی هر انسانی قرار دارد.

اساساً انسان موجودیست دارای ویژگی‌های خاص خودش که او را از سایر موجودات متمایز ساخته و از جایگاه رفیع و بلندی برخوردار می‌سازد، به گونه‌ای که همه‌ای ارزش‌ها و ارزشگذاری‌ها بر محوریت و اصالت انسان مفهوم و معنا پیدا می‌کند.

و از این رو بر صاحبان فکر و اندیشه است که با ژرف اندیشی و تعمق، پیرامون این موضوع حیاتی بحث کرده و با تبیین درست از کیفیت و چگونگی پیدایش انسان، اسرار و راز آفرینش و جایگاه واقعی این موجود شگفت‌انگیز را بیابند. و بدانند که انسان امتیاز و شخصیت حقیقی و حقوقی‌اش را از کجا کسب نموده و به کدام سمت و سوی روان است؟!

متأسفانه مکاتب فکری امروزه و پیروان ادیان الهی در گذشته، تا بحال نتوانسته‌اند تعریف درست و منطقی که منطبق با نیازهای اصولی و اساسی انسان باشد، ارائه نمایند.

و لذا بسیاری از دیدگاهها و نظرات غیر اصولی و بی پایه و اساس، به بایگانی تاریخ علوم انسانی سپرده شده که دیگر ارزش مراجعه و بازبینی، بعنوان یک نظریه علمی را هم ندارند. هرگاه به کتب ادیان پیشین مراجعه شود، متوجه خواهیم شد، بلحاظ تحریف‌های گسترده و وسیع که در محتوا و تعالیم آنها صورت گرفته به هیچ وجه قابل اعتماد و استناد نمی‌باشند. از سوی دیگر دستیابی به منابع اصلی، به علت نابودی و انحلال، غیر ممکن می‌باشند. بدینگونه، علوم و معارف اخذ شده از کتب و منابع موجود که مجموعه‌ای است از خرافات و افسانه‌ها، ما را در جهت درک و معرفت جهان و انسان، یاری و کمک نخواهد کرد اما صاحبان علوم نظری و تجربی هر کدام انسان را از بعد و زاویه خاص که متناسب با داشته‌های علمی و تخصصی خویش یافتند، مورد پژوهش، تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

مسئلاً، نگاه تک بعدی و یک جانبه نگری به انسان، شناخت و معرفت ناقص و غیر اصولی را در پی خواهد داشت که هیچگونه اعتبار و ارزشی مبنائی ندارد.

پس تنها منبع که با نگاه عمیق و جامع به انسان پرداخته که اینک در دست بررسی و تحقیق است، مکتب اسلام در پرتو قرآن کریم است. اصولاً، انسان از دیدگاه قرآن، آمیزه‌ای است از دو عنصر کاملاً متفاوت که ذات و حقیقت جدای از هم دارند، بگونه‌ای که هر کدام گرایش‌ها و گزینه‌های خود را دارند.

پس وجود قوه و استعدادهاى متضاد و گوناگون که جوهره ذات انسان را شکل می‌دهند، جهت تشخیص و هدایت آنها را در مسیر مطلوب، بر مدار تعریف جامع و کامل از انسان میسر خواهد شد. بناءً: بدون نگرش جامع و در نظر گرفتن همه ابعاد وجودی انسان، ترسیم و تصویر کامل از سیما و شخصیتی آدمی، غیر ممکن و چه بسا ظلم و ستمی خواهد بود که بر جامعه بشری روا داشته می‌شود چنانکه گذشت زمان و واقعیت‌های عینی نشان داده است، که بشر با همه‌ای پیشرفت و تکاملی که در دانش و تکنولوژی در عرصه‌های مختلف حیات خویش داشته است، هر روز فاصله‌اش از خودش بیشتر و بیشتر گردیده بطوریکه شاهد از خود بیگانگی، خود فراموشی، خوی و خصلت درنده‌گی در بین جامعه‌ها و ملت‌ها بوده و هستیم که در طول تاریخ، بشر را در بحران‌های عظیمی فکری و

اخلاقی فرو برده‌اند انحطاط اخلاقی، ظلم و تجاوز به حقوق دیگران ابعاد گسترده‌تری یافته‌اند. بی عدالتی، تبعیض نژادی، نظام‌های طبقاتی، امروزه بشکل نوین و خطرناکی، فراگیر شده، زرمداران و زورمندان با حرص و ولع جهان را میدان تاخت و تاز خویش قرار داده‌اند، حیات و زندگی جامعه بشری را بیش از پیش تهدید به نابودی می‌کنند.

همه‌ای این ناهنجاریها، ناشی از نگرش و دیدگاه غلط اندیشمندان مادی در رابطه با حقیقت انسان و نظام آفرینش است. از آن جا که هر دیدگاهی در ارائه ملاک‌ها و معیارهای ارزشی در روابط اجتماعی انسانها، راهکارهای خاص خود را دنبال می‌کند چنانچه ابزار و وسایل شناخت در چهارچوب خاص و معین بکار گرفته شود، طبعاً شناخت و معرفت غیر اصولی و غیر منطقی را در پی خواهد داشت، چه بسا سبب بروز هرج و مرج در رفتارهای اجتماعی و ناهنجاریهای اخلاقی در جامعه گردیده، عدم احساس مسئولیت و تکلیف نسبت به دیگران نتیجه عینی و طبیعی آن خواهد بود.

همان گونه که اشاره شد انسان مرکب از حقیقت جسم و جان است، بعد جسمی انسان ممکن است قابل تعریف و تجزیه و تحلیل باشد، زیرا علوم زیست‌شناسی، ژنتیک، روان‌شناسی، شیمی و تشریح قادرند کالبد و مکانیزم بدن را تشریح نمایند ولی هیچگاه قادر به تجزیه و تعریف بعد روحی انسان نخواهد بود، چه اینکه روح عنصر و حقیقتی است که طبیعت و آثار ماده را نداشته و لذا در حیطه و محدوده تعریفی، علوم یادشده قرار نمی‌گیرد.

از همین رو؛ بسیاری از صاحب نظران علوم تجربی، هر گاه در باب تعریف حقیقت انسان به اظهار نظر پرداختند، هر کدام از زاویه دید خاص خود وارد این قضیه شده و جهت و مسیری را که خود پسندیدند، پیش کش انسان قرار داده‌اند. در همین راستا، افراد و دسته‌های فکری و عقیدتی راهکارهای متفاوت و گاه متضاد را، نظر به نیازهای اصولی بشر، فرا روی انسان قرار داده، سعادت و کمال او را در گرو آنها معرفی نموده‌اند.

مکتب مارکسیسم و نظام فئودالی غرب، هر کدام نظر به دیدگاه خویش (چون انسان را موجود مادی می‌پندارند) سعادت و خوشبختی بشر را در جهت بر آورده شدن نیازهای

مادی او معرفی می‌کنند.

به عبارت دیگر: بشر هر چه از مادیات بهره‌ای بیشتری داشته باشد به رشد و کمال انسانیش نزدیکتر است بنابراین دیدگاه‌ها، همه‌ای فضایل و کمالات اخلاقی و معنوی، در پرتو اشباع شدن و برخورداری از مادیات تحقق می‌پذیرد و در این جهت قابل تفسیر و تحلیل است و بس.

برخی هم مانند (نیچه) و پیروانش، سعادت و کمال انسان را در کسب قدرت و توانائی‌های او می‌بیند، ایجاد فضای بیشتر، توسعه و گسترش قلمرو حیات در عرصه‌ای زندگی، سبب رشد و ترقی هر چه بیشتر جامعه انسانی را در تمامی زمینه‌ها و ابعاد فراهم می‌کند، فرقه‌ها و دسته‌های ضعیف و فاقد قدرت را شایسته‌ای حضور در صحنه‌ای رقابت، جهت دست یابی به اقتدار، ندانسته چه بسا مانع رشد و تکامل دیگران دانسته که الزاماً از صحنه‌ای فعالیت باید حذف شوند.

بناءً گرایش به فاشیزم و نژاد گرایی، زاده نامشروع این طرز تفکر است.

(فروید) و طرفداران او، کمال انسان را در گرو کام روائی و اشباع غریزه جنسی معرفی کرده‌اند بنابراین دیدگاه، شرایط و محیط در برقراری روابط جنسی بگونه‌ای باید فراهم شوند که افراد جامعه بدور از قید و بند و محدودیت‌های غیر ضروری، قادر باشند در فضای آزاد کامجویی نمایند.

در غیر این صورت فشارهای جنسی در چهارچوب مقررات و محدودیتهای ایجاد شده، سبب بروز ناهنجاریهای اجتماعی و روانی خواهد شد. این طرز تفکر، منادی بی بند باری، فساد و لاپالایی گری جنسی را در جامعه به همراه خواهد داشت که در نتیجه، اخلاق و معنویت در زیر چکمه‌های پست شهوت رانی بر باد خواهد رفت.

گروهی زندگی مادی را مانع رشد و تکامل انسان و رسیدن به مقصد و هدف نهائی معرفی می‌کنند. از دیدگاه آنان، تنها راه رسیدن به سعادت و نجات انسانها را خودسازی انزوا و گوشه‌گیری از غوغای زندگی و توجه لازم به مسائل معنوی دانسته معتقدند، شخصیت واقعی انسان در برقراری ارتباط با عالم ملکوت، عبودیت و بندگی معبود خویش و پرورش جنبه‌های معنوی، تبلور می‌یابد. از این طریق، مراتب کمال را طی نموده، به مخازن عالم اسرار دست خواهد یافت. مسیحیت تحریف شده، راهبان، مرتاضها، متصوفه و بعضاً عارف مسلک‌های که قادر به شناخت حقایق عالم و نظام آفرینش

از طریق استدلال عقلی و منطقی نبوده، در این دسته قرار دارند.

بعضی از مکاتب فکری، آنگاه که از شناخت حقایق وجودی خویش و جهان خلقت عاجز ماندند، به پوچ‌گرایی رو آوردند (مکتب نهلیم را پی ریزی کردند) آنان حقایق عینی و خارجی حتی وجود خود را به عنوان واقعیت عینی هم، منکر شدند.

نتیجه‌ای این دیدگاه پوچ‌گرایانه از نظام آفرینش و جامعه‌ای بشری، حاکمیت «اناریشم» و بی‌بند و باری مطلق در روابط اجتماعی انسانها را در پی خواهد داشت و بس.

اما از دیدگاه اسلام، با مراجعه به آیات و روایات، افق روشن را در ارتباط با معرفت و شناخت انسان، فراروی ما قرار داده است. از نظر قرآن شناخت انسان نه تنها غیر ممکن و دور از دسترس نبوده، بلکه با وجود فکر و اندیشه که بشر از آن برخوردار است، پیرامون شناخت جهان و انسان، توصیه و سفارش مؤکد گردیده است.

لذا علما و بزرگان دین ما هر یک به سهم خویش با استفاده از منبع وحی الهی و توضیحات ائمه معصومین علیهم السلام، مشروحاً به این موضوع مهم و حیاتی پرداخته‌اند و حقیقت وجودی انسان را از ابعاد و زوایای مختلف مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

مرحوم جعفری پیرامون زوایا و ابعاد مختلف وجودی انسان، اوصاف و ویژگی‌ها، تمایلات و گرایش‌ها، امیدها و آرمان‌ها، اهداف و اندیشه‌ها، تحولات و دگرگونی‌های که در ساختار زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها، و تکوین شخصیت واقعی شان، اثر گذار است، چه در جهت و مسیر تکاملی آن و چه در جهت و مسیر انحطاطی آن، تجزیه و تحلیل جامعی انجام داده است. در همین راستا شخصیت والا و برتر علی علیه السلام به عنوان الگو و سمبل انسان کامل معرفی شده است که خواننده را به توجه به ابعاد شخصیتی آن حضرت فرامی‌خواند<sup>(۱)</sup>.

گرچه در بین علما و بزرگان ما در کیفیت و چگونگی پیدایش انسان، دو دیدگاه متفاوت احساس می‌شوند، ولی این اختلاف نظر جزئی است و بر کلیت و جامعیت تعریف خدشه وارد نمی‌کند. چه اینکه تبیین و تعریف اصولی و جامع از ذات و جوهره انسان که برگرفته از کلام وحی است،

۱ - ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۱.

اتفاق نظر وجود داشته و هدف واحد را دنبال می‌کند.

از آنجایی که راقم این سطور، در گذشته علاقمند به تحقیق و مطالعه در باب این موضوع بوده‌ام فرصت کافی و شرایط لازم را می‌طلبید که به آرزویم جامه عمل بپوشانم.

خدای متعال را شاکرم که این توفیق را نصیب و از مرکز جهانی علوم اسلامی نهایت سپاسگذاری را دارم که زمینه و شرایط لازم را فراهم نموده تا با راهنمایی‌های دلسوزانه استاد گرانمایه جناب آقای دکتر مؤدب که وقت عزیز و شریفش را در اختیار ما گذاشت، وارد تحقیق و بررسی موضوع انسان‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم، گردیده و رساله را تحت عنوان پایان نامه با موضوعی (آفرینش انسان از دیدگاه قرآن) تهیه و تدوین نموده، تقدیم علاقمندان نمایم.

این گام کوچک گرچه خالی از نقص و عیب نخواهد بود، امید است مورد قبول و تأیید نظر اندیشمندان قرار گرفته رانی ملخی باشد تحفه‌ای سیلیمان، از اندیشمندان و اهل فن انتظار می‌رود. با نظرات خویش، اشتباهات را که ممکن است وجود داشته باشد، صمیمانه تذکر داده از راهنمایی لازم دریغ نوزند. شیوه و روش تحقیق در رساله مذکور، کتاب خانه بوده که با گرایش علوم و معارف قرآن و حدیث در دست تهیه و تنظیم است. طبعاً با استفاده از تفاسیر بزرگان دین و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام دیدگاهها و نظرات علما، گردآوری و جمع بندی شده و دیدگاهی که از استدلال منطقی و مبنای محکمی برخوردار باشد گزینش می‌شود.

تحقیق مذکور مشتمل است بر یک چکیده و مقدمه که ملاحظه شد و سه فصل. در پایان، با ذکر خاتمه که در برگیرنده خلاصه و فشرده مطالب مندرج در ضمن فصول است، و نیز فهرست تفصیلی منابع، به ترتیب حروف «الف و با» دامنه بحث جمع می‌شود.

✍ فصل اول:

کلیات



## فصل اول کلیات

### ۱- تعریف موضوع

#### ۱-۱- مفهوم‌شناسی

در ارتباط با موضوع آفرینش انسان از دیدگاه قرآن و چگونگی پیدایش وی، در ابتدای بحث لازم است، واژه‌ها و کلمات موجود در موضوع تحقیق، از نظر لغت و موارد استعمال آن، زیشه‌یابی شود تا معنا و مفهوم کلی آن به دست آید.

موضوع آفرینش انسان در قرآن که عنوان این رساله انتخاب گردیده، چگونگی خلقت انسان و عناصر تشکیل دهنده آنرا به بحث می‌نشیند که در آیات و روایات در باب پیدایش انسان کلمه‌ای «خلق» به کار رفته است.

بنابراین، جهت روشن شدن موضوع، بررسی و تحقیق چند واژه و لغت لازم و ضروری است. واژه‌های «خلق» کلمه «انسان» و الفاظ مترادف آن، مانند واژه‌های «بشر» و «آدم» و مشتقات آن. ابتداء به تبیین واژه «خلق» می‌پردازیم. با مراجعه به کتب لغت و تفاسیر بزرگان دین تعریف که از واژه «خلق» ارائه نموده‌اند، بیان و نظر واحد را نشان می‌دهند.

راغب اصفهانی آورده است: «خلق» در موردی استعمال می‌شود، که چیزی از چیزی به وجود آید<sup>(۱)</sup> طبرسی گوید: «خلق» عبارت است از احداث شیء بنابر تقدیر و اندازه معین<sup>(۲)</sup>.

۱ - المفردات فی غریب القرآن، ماده خلق.

۲ - مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۴۵.

المنجد: «خلق» را بمعنی ایجاد و ابداع از عدم ذکر کرده<sup>(۱)</sup>.

از معانی یاد شده در باره واژه «خلق» استفاده می‌شود که «خلق» عبارت است از ایجاد و ابداع شیء این ایجاد و آفریدن اعم است از اینکه آن شیء دیگر قبلاً موجود بوده یا موجود نبوده. فخررازی می‌گوید: «خلق را به معنی تقدیر، تسویه، اندازه و تصویر است. و دلیلی که آورده است اینکه، اگر خلق به معنی ایجاد و ابداع اخذ نماییم معنی آیه «هو الذی خلق لکم ما الارض جمیعاً» از آنجا که (خلق اشاره به ماضی و گذشته دارد) این می‌شود که همه آن چه که در زمین است، خداوند عالم او را در زمان گذشته به وجود آورده و تحقق بخشیده است. این برداشت بالاتفاق باطل است. پس «خلق» را حمل بر تقدیر نماییم تا کلام صحیح شود<sup>(۲)</sup>.

جعفر سبحانی با تتبع و تفحص که در لغت و لسان عرب انجام داده می‌گوید:

«به طور کلی لفظ «خلق» در لغت عرب در دو معنی بکار رفته است.

۱- اندازه: بر اساس همین معنی است که می‌گویند «خلق الخیاط الثوب» خیاط پارچه را اندازه گرفت.

۲- ایجاد و آفریدن: محمود زمخشری نویسنده اساس البلاغه: اصرار دارد که معنی صحیح و اساسی «خلق» همان اندازه‌گیری است معنی دوم به مرور زمان پیدا شده ولی اکثر مفسرین و فرهنگ نویسندگان عرب اتفاق نظر دارند که «خلق» بمعنی ایجاد و آفریدن و احداث وجود و هستی است<sup>(۳)</sup>. چنانچه معنی اول را مد نظر قرار دهیم، این نتیجه را بدست می‌دهد که مرحله اندازه و اندازه‌گیری شیء قبل از ایجاد و آفریدن آن شیء در عالم تصور، محقق می‌شود، یعنی در ابتدا اندازه‌گیری و صورت آن شیء در عالم تئوری و ذهن، طراحی شده و سپس عملیات ساخت و آفریدن آن انجام می‌گیرد. آنگونه که مثال خیاط در طراحی و عملیه دوخت لباس این معنی را بدست می‌دهد. ولی پذیرش این معنی دو محذور و اشکال اساسی را در پی دارد.

۲- تفسیر الکبیر، ج ۸، ص ۵۵

۱- المنجد - باب ح - ص ۱۹۳

۳- سیمای انسان کامل در قرآن - ص ۶۲

۱- اخذ این معنی در باب خلقت انسان، با علم ازلی خداوند در نحوه آفرینش مخلوقات و موجودات عالم خلقت، منافات پیدا می‌کند، زیرا بر اساس این معنی، این پندار بوجود می‌آید که خداوند قادر متعال، ابتداء صورت اشیاء را تصور می‌نماید و چگونگی آفرینش آنها را در عالم تئوری، طراحی نموده، آنگاه پدیده مورد نظر را روی طرح و نقشه قبلی، در عالم عین و خارج پدید می‌آورد و حال آنکه تئوری و فرضیه سازی جهان آفرینش نسبت به آفریدگار جهان، پندار غلط و دور از واقعیت است، زیرا این وصف نیازمندی زمینه سازی و تهیه مقدمات و شرایط لازم است که نسبت به افعال انسان صادق است «هر جا که انسان در انجام کاری راه‌های متعددی را پیش رو دارد و آنها را بررسی می‌کند و می‌سنجد و سپس یکی را بر می‌گزیند و در پی آن تصمیم می‌گیرد بر انجام آنها»<sup>(۱)</sup>.

اما ذات کبریائی که کمال مطلق و عالم بکل شیء است، صورت اشیاء را در نزد کبریائی و ساحت مقدس، قبل از تحقق و آفرینش آنها در عالم وجود، موجود دارند، بگونه که هر شیء با همان اندازه و حدود معین که دارند، آفریده می‌شود.

۲- در برخی آیات پیرامون خلقت انسان، الفاظ «قدر» «قدره» و «تقدیر» به کار رفته و ارباب لغت و تفسیر، این الفاظ را به معنی اندازه و اندازه‌گیری اخذ نموده‌اند.

اما یکی از آیات که لفظ «قدر» در آن آمده، آیه شریفه ذیل است که می‌فرماید:

«الَّذِي خَلَقَ فَسْوَىٰ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ» همان خداوند که آفرید و منظم کرد و همان که اندازه‌گیری کرد و هدایت نمود<sup>(۲)</sup>. طنطاوی در ذیل این آیه آورده است: یعنی اندازه‌گیری نموده است اجناس اشیاء، انواع، اشخاص، مقدار، اندازه‌ها، اوصاف، آثار و افعالشان را<sup>(۳)</sup>.

در برخی آیات که لفظ «قدر» آمده، چنین آورده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» ما این قرآن عظیم الشان را در شب قدر نازل کردیم<sup>(۴)</sup>.

۲- اعلیٰ ۲/ ۳ و در سوره عبس / ۱۹ مراجعه کرد.

۴- قدر / ۱-۲-۳.

۱- انسان‌شناسی، ص ۱۶۹.

۳- الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، ج ۱۳، ص ۱۱۶.

علامه طباطبایی در تعریف کلمه «قدر» می‌گوید: «قدر عبارت است از خلق نمودن اشیاء را به اندازه‌های بخصوص و حدود معین از حیث ذات و صفات و افعال شان»<sup>(۱)</sup>.

طبرسی می‌گوید: «قدر» عبارت است از مقدر داشتن و اندازه‌گیری خلقت اشیاء را از حیث صورت‌ها و هیأت‌شان»<sup>(۲)</sup>.

در المنجد آمده است: «اندازه گرفتن چیزی را با چیزی دیگر یا گوئیم قرار دادن شیء را بر مقدار و اندازه خودش»<sup>(۳)</sup>.

با توجه به آیات فوق و معنایی که از لفظ «قدر» بعمل آمد به این نتیجه می‌رسیم که اگر لفظ «خلق» را هم به معنای اندازه و اندازه‌گیری بدانیم، با معانی آیات یاد شده سازگار نبوده، سبب و موجب ابهام و اجمال خواهد شد زیرا آیات در مقام بیان مراحل خلقت انسان است و بیان این مراحل، حکایت از حقایق مختلف و گوناگون در طی این مراحل، دارد که یکی از مراحل خلقت، تقدیر است.

از سوی دیگر، در صورت قبول معنی اول برای «خلق» و چنانچه لفظ «قدر» را نیز به همان معنی اخذ کنیم، موجب خواهد شد که بیان حقیقت واحد با تکرار دو لفظ متفاوت به یک معنی را در پی داشته باشد و این با فصاحت و بلاغت قرآن کریم منافات پیدا می‌کند.

با این دو محذور، ناگزیریم که لفظ «خلق» را به معنی ایجاد و آفریدن اخذ نمائیم نه اندازه و اندازه‌گیری و در آیات هم اگر آن را به معنی ایجاد و ابداع و آفریدن بگیریم، با جریان خلقت انسان متناسب و سازگارتر است تا به معنی اول.

جعفر سبحانی نیز تأکید به همین معنی نموده است آنجا که می‌گوید: «آیه شریفه ذیل هم می‌رساند معنی دوم مراد است بدلیل اینکه قبل از این جمله «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ» جمله‌های «ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ» و «ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا»<sup>(۴)</sup> آمده است. ناگفته پیداست که صورت بندی و سجده فرشتگان با انسان آفریده شده سازگار است نه به انسان که فقط آفرینش او اندازه‌گیری شده است»<sup>(۵)</sup>.

۱- المیزان ج ۲۰ ص ۲۹۸.

۲- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۲۹.

۳- المنجد، باب ق، ص ۶۱۲.

۴- منشور جاوید، ج ۴، ص ۲۰۳.